



پژوهشنامه فلسفه دین

سال بیستم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص. ۴۱-۴۸.
مقاله کوتاه (DOI: 10.30497/PRR.2022.76210)

بررسی امکان ارتقاء اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد الهیات عملی

امید آهنچی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف تدریس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها دستیابی دانشجویان به منظومه معرفتی منسجم و کارآمدی است که آنان را به بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی رهنمون باشد و از این رهگذر آنان به افرادی دین‌مدار بدل گردند. لازمه دستیابی به چنین هدفی همخوانی میان مطالب ارائه‌شده در کلاس‌ها و نیازهای دانشجویان است. از سوی دیگر الهیات عملی نیز در پی تبیین نقش دین در صحنه زندگی روزمره آدمیان و هویدا ساختن آثار دین‌داری برای غلبه بر مشکلات فردی و اجتماعی است. بنابراین لازم است در پژوهشی به این سؤال کلیدی پاسخ داده شود که آیا می‌توان سرفصل‌های دروس معارف اسلامی را به منظور ارتقاء اثربخشی این دروس با رویکرد الهیات عملی تنظیم کرد؟ با توجه به لزوم همخوانی میان نیاز دانشجویان و سرفصل‌های ارائه‌شده برای ارتقاء اثربخشی دروس لازم است ابتدا نیازها و اولویت‌های دانشجویان در دروس معارف اسلامی بررسی شود. زیرا اگر این نیازها با رویکرد الهیات عملی مطابق باشد، می‌توان به استقبال دانشجویان و همچنین ارتقاء اثربخشی این دروس امیدوار بود. بدین منظور پژوهشی در دانشگاه صنعتی شریف صورت گرفت تا ضمن آن اولویت‌های دانشجویان مقطع کارشناسی این دانشگاه برای موضوعات مختلفی که امکان طرح در کلاس‌های دروس معارف اسلامی را دارند مشخص شود. نتایج حاکی از آن است که نزد دانشجویان از بین موضوعات پنجگانه مطرح‌شده در پرسش‌نامه (اعتقادی، اخلاقی، تفسیری، مسائل اجتماعی و خانوادگی) پرداختن به موضوعات مرتبط با مسائل اجتماعی مانند حقوق زن، لزوم حجاب در جوامع اسلامی، روابط دختر و پسر، بررسی مفهوم آزادی و همچنین مسئله صلح و خشونت در اسلام اولویت بیشتری نسبت به سایر موضوعات دارند. بین موضوعات چهارگانه دیگر نیز از منظر دانشجویان تفاوت معناداری وجود نداشت. بنابراین با توجه به اقبال دانشجویان به طرح مسائل اجتماعی، بازنگری در سرفصل‌های این دروس با رویکرد الهیات عملی می‌تواند موجب ارتقاء اثربخشی دروس معارف اسلامی و اقبال بهتر دانشجویان شود.

کلیدواژه‌ها

الهیات عملی، دروس معارف اسلامی، ارتقاء اثربخشی، مسائل اجتماعی

۱. استادیار مرکز معارف اسلامی و علوم انسانی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران. (ahanchi@sharif.ir)



Investigating the Possibility of Improving the Effectiveness of Islamic Education Courses in Universities with a Practical Theology Approach

Omid Ahanchi¹

Reception Date: 2022/02/24

Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

Islamic education courses in universities are taught with the objective of transforming students into religious people by imparting a coherent and efficient system of knowledge that enhances their individual and social behaviors. To accomplish such a goal, classroom content must be matched with the needs of students. On the other hand, practical theology attempts to explain the role of religion in everyday life and to show how it can be used to overcome individual and social problems. A research is therefore needed to answer the key question: Can the topics of Islamic education courses be revised with a practical theology approach in order to improve their effectiveness? To improve the effectiveness of Islamic education courses, it is necessary to first examine the needs and priorities of students. As a matter of fact, by aligning these needs with the practical theology approach, we can both motivate and improve the effectiveness of these courses. To this end, a study was conducted at Sharif University of Technology to determine the priorities of undergraduate students on various topics that could be discussed in Islamic education classes. According to the results, students gave priority to the social issues (women's rights, the need for hijab in Islamic societies, boy-girl relationships, freedom, and the issue of peace and violence in Islam) from the five topics discussed in the questionnaire (doctrinal, moral, interpretive, social, and family issues). There was no significant difference between the other four topics. Therefore, revising the topics of Islamic education courses with a practical theology approach can improve the effectiveness of these courses and convince the students better.

Keywords

Practical Theology, Islamic Education Courses, Improving the Effectiveness, Social Issues

1. Assistant Professor, Islamic Education and Humanities Department, Sharif University of Technology, Tehran, Iran (ahanchi@sharif.ir)

۱. مقدمه

امروزه، نسل جوان جامعه، علی‌الخصوص دانشجویان، اولاً به سبب سیطره تکنولوژی که به از میان رفتن مرزها و تبادل هرچه بیشتر اطلاعات، فرهنگ‌ها و باورها انجامیده است، و ثانیاً با حضور در دانشگاه که به صورت بالقوه محلی برای تضارب آراست، در حوزه دین‌باوری و دین‌داری با سردرگمی بسیاری مواجه شده‌اند. روشن است که در این عصر بیان فواید و لزوم دین و دین‌داری و انتقال صحیح آن به مخاطبان هم بطلان ادعای مخالفان ضرورت دین را اثبات می‌کند و هم نیاز انسان به دین را تبیین می‌نماید. اما آنچه باید بدان توجه کرد تقویت رویکردهای خلاقانه در عرصه نظام آموزشی معارف اسلامی و علوم دینی است. بدین منظور در نوشتار حاضر تلاش شده است تا با بهره‌مندی از رویکرد الهیات عملی، راهکارهای مناسبی در اختیار مسئولان و فعالان حوزه آموزش معارف اسلامی قرار گیرد.

یکی از اهداف تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها آشنایی دانشجویان با مباحث فکری و معرفتی و تأثیرپذیری آنان از این مباحث و در نتیجه تغییر رفتار آنان در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی است. انسان موجودی مختار است و تمامی افعال اختیاری خود را پس از سنجش و بررسی جوانب آن عملی می‌کند. بدین سبب برای دستیابی به تغییرات رفتاری در او باید از تغییر در فکر و اندیشه‌اش آغاز کرد.

بر اساس رأی جمهور فلاسفه، تقدّم مباحث نظری بر عملی و همچنین اثرگذاری مباحث فکری و معرفتی در رفتار موجوداتی مختار مانند انسان مسلم است. بنابراین، اگر بخواهیم شاهد تغییر در رفتار آدمیان و اراده آنان باشیم، باید به مبانی شناختی و مباحث مرتبط با عقل نظری آنان توجه کنیم. البته این سخن بدین معنا نیست که همواره به محض تحقق علم، فعل صواب از انسان صادر شود؛ چرا که به بیان علامه طباطبایی (۱۳۷۴)، ۱۸: ۲۶۴)، صرف وجود و تحقق علم ملازم با هدایت نیست، بلکه التزام به نتایج علم و دوری از هوای نفس ملازم با هدایت است. بدین سبب، همه آنانی که می‌دانند سعادت‌مند نمی‌شوند، بلکه تنها کسانی که به محتوای علمشان ملتزم‌اند و از هوای نفس دوری می‌کنند روی سعادت و هدایت را می‌بینند.

آموزش معارف دینی در ایران، به ویژه در حوزه متون آموزشی، دارای چند مشکل اساسی است: مدرسه‌ای بودن دین در حوزه آموزش دینی، بی‌توجهی به تجربه و زیست دینی افراد، کم اهمیت دادن به تخصص و کسب تجربه در آموزش دینی، نگاه کردن به دین

به مثابه یک بحث ایدئولوژیک و آرمانی، تکراری شدن مباحث دینی، صوری و ظاهری شدن مناسک و مراسم دینی و نیز دایرةالمعارفی بودن مباحث دینی که از آموزش مستقیم آن نشئت می‌گیرد، از جمله این مشکلات هستند و همین امر دانشجویان را کمتر علاقمند به دین و مسائل دینی کرده است (بهار ۱۳۸۵). در این نوشتار رویکرد کاربردی بودن متون درسی معارف اسلامی و همچنین کاربست الهیات عملی به منظور فراهم آوردن زمینه لازم برای دستیابی به منظومه معرفتی کارآمد در عرصه نظام آموزشی جهت استفاده هوشمندانه از ظرفیت دروس معارف اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین اتخاذ رویکرد غیرتجویزی به متون آموزشی دینی به معنای بازگذاشتن بخشی از برنامه آموزشی در جهت تناسب نیازها، تمایلات و دغدغه‌های متنوع و پیش‌بینی‌ناپذیر دانشجویان مورد توجه صاحب‌نظران است (مهرمحمدی و صمدی ۱۳۸۲؛ کشاورز ۱۳۸۷).

تحقیقات صورت‌گرفته در مدارس و دانشگاه‌ها نشان از آن دارد که مسئله آموزش دین از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و گاه نیز با تأثیرات معکوس همراه بوده است. این مسئله باعث شده تا ناکارآمدی‌های مذکور تا حد زیادی در بحران‌آفرینی‌های مشاهده‌شده در رفتارهای دینی نسل جوان ما سهم مؤثری داشته باشد (باهر ۱۳۸۷، ۳۲). بدین منظور باید دقت داشت که آیا تفاوت‌های فردی و متغیرهای جمعیت‌شناختی گوناگون، همچون جنسیت و سطح تحصیلات، بر باورها و انتخاب سبک زندگی و چگونگی برخورد افراد با مقولات فکری، دینی و اخلاقی اثر می‌گذارد یا خیر؟ (آهنچی و حاجی‌بابا ۱۴۰۰). بررسی چگونگی تأثیر این متغیرها بر باورها و اعتقادات دینی است که فعالان حوزه آموزش این علوم را به انتخاب روشی صحیح‌تر و مؤثرتر رهنمون می‌سازد، چراکه انطباق میان آنچه دانشجو تمایل به دانستن آن دارد و آنچه به واسطه اساتید در کلاس‌های درسی ارائه می‌گردد، تأثیر بسزایی بر بهره‌دهی و ثمربخشی آموزش خواهد داشت.

۲. بیان مسئله

همخوانی مباحثی که اساتید ارائه می‌کنند با دغدغه‌ها و مسائل فکری دانشجویان از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند زمینه‌ساز برقراری ارتباط مناسب بین استاد و دانشجو و تفاهم میان آنان شود. در صورت خدشه‌دار شدن این تفاهم و ارتباط فکری، باب ارتباط میان استاد و دانشجو بسته می‌شود و دیگر نمی‌توان امید به دستیابی به نتایج ارزشمند داشت. دروس معارف اسلامی ارائه‌شده در دانشگاه‌ها نیز از این قاعده کلی مستثنا نیستند

و نیازمند پایش میزان همخوانی بین مطالب ارائه‌شده و نیاز مخاطب‌اند. از این رو در جوامع دانشگاهی، استخراج اولویت‌های فکری دانشجویان از دغدغه‌ها و نیازهای اولیه آموزشی محسوب می‌شود.

مسئله اصلی این نوشتار پاسخ به این پرسش است که با توجه به رویکرد الهیات عملی و لزوم توجه به مسائلی که در عرصه اجتماع در حال وقوع است، آیا اکتفا به سرفصل‌های موجود در حوزه مباحث اعتقادی دروس معارف اسلامی برای دانشجویان مطلوب است یا خیر؟ به عبارت دیگر، از منظر دانشجویان آیا نباید موضوعاتی جدید را در سرفصل‌های این دروس گنجانند یا موضوعاتی را حذف کرد؟

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر، از منظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌رود، چراکه هدف از اجرای آن توسعه دانش کاربردی درباره چگونگی برنامه‌ریزی دروس معارف به منظور بالا بردن اثربخشی آموزش مسائل اعتقادی میان نسل جوان به ویژه دانشجویان است، و نتایج آن می‌تواند برای اعضای شورای سیاست‌گذاری و اساتید معارف و علوم اسلامی در دانشگاه‌ها مفید باشد. این پژوهش بر اساس روش گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی است. توصیفی است بدین سبب که پژوهشگر سعی کرده آنچه را هست بدون دخالت و استنتاج ذهنی گزارش کند و به توصیف عینی واقعیات در خصوص اولویت مسائل اعتقادی در ذهن دانشجویان بپردازد، و پیمایشی است بدین سبب که وضعیت این اولویت‌بندی را با بررسی نظرهای دانشجویان می‌سنجد.

به منظور دستیابی به آرای دانشجویان و اولویت‌های فکری ایشان، ابتدا موضوعات مهم و کلیدی در حوزه مباحث فکری و اعتقادی با مشورت اساتید باتجربه و خیره در دانشگاه‌های صنعتی شریف، تهران و تربیت مدرس مشخص و در قالب پنج دسته کلی دسته‌بندی و بر اساس آنها پرسش‌نامه پژوهش طراحی شد. دانشجویان در این پرسش‌نامه پس از تکمیل مشخصات فردی، می‌توانستند به موضوعات مطرح‌شده، بر اساس میزان اولویت خود، عددی بین یک تا هفت را تخصیص دهند. عدد یک برای کمترین میزان اهمیت و عدد هفت برای بیشترین میزان اهمیت نزد آنان بود. پنج دسته کلی مرتبط با موضوعات فکری مطرح‌شده در پرسش‌نامه و گروه‌های ذیل آنها بدین قرارند:

۱. اصول عقاید. مباحث مرتبط با این دسته در قالب چهار گروه توحید، نبوت، امامت و معاد دسته‌بندی شدند. موضوعاتی از قبیل ضرورت اثبات عقلانی وجود خدا، اثبات

- عقلانی نیاز به دین در عصر حاضر، عصمت پیامبران و امامان، اعجاز قرآن، دلایل عدم تحریف قرآن، اثبات عقلی وجود معاد، بررسی اولین جانشین برحق پیامبر اسلام، بررسی علت غیبت امام عصر و بررسی ضرورت وجود امام معصوم پس از پیامبر اسلام در دسته مباحث مرتبط با اصول عقاید جای گرفتند.
۲. خانواده و سبک زندگی. مباحث مرتبط با این دسته معطوف به موضوعاتی همچون معیارهای انتخاب همسر، راه‌های برطرف کردن مشکلات خانوادگی و زناشویی، بررسی سبک زندگی اسلامی و ایرانی و راه‌های دست یافتن به بهترین سبک زندگی است.
۳. اخلاق و فلسفه آن. در این دسته موضوعاتی مانند راه‌های تقویت ایمان، راه‌های رشد عقلانیت در انسان، معیار فعل اخلاقی و تحلیل نسبی یا مطلق بودن اخلاق جای گرفتند.
۴. مسائل اجتماعی عصر حاضر. در این دسته مباحثی از قبیل حقوق زن، لزوم حجاب اجباری در جوامع اسلامی، حد روابط دختر و پسر، مفهوم آزادی در عصر حاضر و همچنین مسئله صلح و خشونت در اسلام جای داده شد.
۵. مباحث فلسفی. در این دسته نیز عمدتاً موضوعات مرتبط با معرفت‌شناسی (بررسی وجود جهان خارج، بررسی امکان شناخت و بررسی راه‌های جلوگیری از خطاهای ادراکی)، نفس‌شناسی (اثبات تجرد نفس و تحلیل رابطه نفس و بدن از منظر اسلام و مکاتب فلسفی)، هدف زندگی و بحث جبر و اختیار جای گرفت.
- نکته درخور توجه درباره موضوعات پنجگانه مطرح‌شده در این پژوهش این است که سه دسته آن (اصول عقاید، خانواده و سبک زندگی، و مباحث اخلاقی و فلسفه آن)، عموماً اشاره به موضوعات و سرفصل‌های فعلی دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها دارد. اما دو دسته دیگر (مسائل اجتماعی عصر حاضر و مباحث فلسفی) اشاره به عناوین و موضوعاتی دارند که در حال حاضر یا اصلاً در سرفصل‌های درسی وجود ندارد یا بسیار مختصر و گذرا در برخی از کتب دروس معارف اسلامی به آنها پرداخته شده است.

۴. تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش (آهنچی ۱۳۹۷) گویای این است که از منظر دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف، بین موضوعات پنجگانه مطرح‌شده، پرداختن به مسائل اجتماعی، از جمله شبهات مرتبط با حقوق زن، لزوم حجاب اجباری در جوامع

اسلامی، حد روابط دختر و پسر، مفهوم آزادی در عصر حاضر و همچنین مسئله صلح و خشونت در اسلام، از اولویت بیشتری نسبت به سایر موضوعات برخوردار است، و بین موضوعات دیگر از منظر دانشجویان تفاوت معناداری وجود ندارد.

با توجه به موضوعات موجود در سرفصل‌های فعلی دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها، که عمدتاً معطوف به اصول عقاید، خانواده و مباحث اخلاقی است، نتیجه می‌گیریم در عین حال که این موضوعات از منظر دانشجویان بی‌اهمیت نبوده و تحلیل آنها برایشان جذاب است، اما لازم است به مسائل اجتماعی عصر حاضر نیز به طور جدی پرداخته شود تا منظومه معرفتی و فکری یکپارچه و دقیقی در ذهن دانشجویان شکل گیرد. آنان طی بررسی و تبیین مسائل اجتماعی می‌توانند مصادیقی از بحث‌های عقلی و کلی را که در حوزه عقاید آموخته‌اند نیز در قامت مسائل اجتماعی مشاهده کنند تا کاربرد مسائل اعتقادی را در حل مسائل و موضوعات اجتماعی عصر حاضر لمس کنند، رویکردی که الهیات عملی به تمامی از آن حمایت می‌کند.

درس حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، که در سبب مبانی نظری اسلام قرار دارد، می‌تواند تا حدی پاسخگوی برخی از مسائل اجتماعی عصر حاضر باشد. اما با توجه به این که اولاً دانشجویان مجبورند بین دروس «اندیشه اسلامی (۲)»، «انسان در اسلام» و «حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام» یکی را انتخاب کنند، و ثانیاً سرفصل‌های موجود در درس «اندیشه اسلامی (۲)» برای ایجاد منظومه فکری دقیق در ذهن دانشجویان بسیار حیاتی و ضروری است و قابل چشم‌پوشی نیست، لازم است مسائل اجتماعی عصر حاضر به صورت مستقل و همه‌جانبه تحلیل شود تا اساتید محترم بتوانند با توجه به مسائل مطرح‌شده در زمان‌های مختلف، استان‌ها و شهرهای گوناگون و همچنین جنسیت مخاطبان خود، بر اساس نیازهای آنان به طرح و بررسی مسائل اجتماعی بپردازند.

بنابراین، با توجه به اقبال بیشتر دانشجویان به تحلیل مسائل اجتماعی عصر حاضر در کلاس‌های معارف اسلامی و همچنین تمرکز اندک کتب موجود دروس معارف اسلامی بر تحلیل این مسائل، با توجه به رویکرد الهیات عملی می‌توان نتیجه گرفت که اولاً برای دستیابی به ارتباط مطلوب میان استادان و دانشجویان در این دروس و ثانیاً حل مشکلات فکری دانشجویان در این زمینه، لازم است بستری مناسب برای تحلیل مسائل اجتماعی در سرفصل‌های دروس معارف اسلامی در نظر گرفته شود. البته این مطلب به معنای غیرمفید بودن مباحث فعلی دروس معارف اسلامی از منظر دانشجویان نیست و آنان همچنان به حل مباحث موجود این دروس به نحوی مطلوب و مستدل امید بسته‌اند.

کتاب‌نامه

- آهنچی، امید. ۱۳۹۷. «بررسی و تحلیل اولویت‌های فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی* ۷۵: ۱۶۹-۱۸۶.
- آهنچی، امید، و لیدا حاجی‌بابا. ۱۴۰۰. بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر اولویت مسائل فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی* ۸۶: ۲۳۱-۲۵۲.
- باهنر، ناصر. ۱۳۷۸. *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بهار، مه‌ری. ۱۳۸۵. «مطالعات دینی در نظام آموزش عالی ایران». *آموزش عالی ایران* ۱(۳): ۱۳۵-۱۴۹.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. *المیزان فی تفسیر القرآن*. به کوشش محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کشاوری، سوسن. ۱۳۸۷. «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی». *دوفصلنامه تربیت اسلامی* ۶: ۹۳-۱۲۲.
- مهرمحمدی، محمود، و پروین صمدی. ۱۳۸۲. «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی». *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی* ۲(۳): ۹-۳۴.